

# طرح نو

شهرود

طبیعت خیلی وقت است  
حرفش را به ما زده...

اجتماعیات و در ددل های  
«یوسف پوریا» در وسط  
هفته طرح نو



## نگاه روز

### آموزش مقاله با خشونت؛ عملی یا نظری

سکینه محمدی | آموزگار |

آموزش عدم خشونت به کودکان در اولین گام باید در خانواده انجام شود. کودکانی که وارد مدرسه می‌شوند، دو دسته هستند. دسته اول، کودکان آرام و رفتار والدین یادگرفته‌اند. دسته دوم، اگر رابطه پدر و مادر در خانه بدون تنش و مسالمت‌آمیز باشد و به اصطلاح کودک شاهد دعوای و جریب‌های زن و شوهری نباشد، مفهوم خشونت و درگیری را در خانه یاد نمی‌گیرد. غالباً کودکانی که در محیطی آرام رشد می‌کنند، روحیه آرام‌تری دارند و نشانه‌های رفتار خشن در آنها کمتر است. با این حال نمی‌توان گفت این کودکان خشونت را فراموش کرده‌اند زیرا مخالفت، اعتراض و ابراز ناخشنودی از رفتارهای ذاتی انسان است که در کودکان در طول زندگی به واسطه محیط پیرامون و موقعیت‌های مختلف پسرکوب شده یا سرکوب می‌شود.

دسته دوم کودکانی هستند که در محیط‌های پر تنش رشد پیدا می‌کنند و پدر و مادر با هم اختلاف دارند، مدام جر و بحث و دعوا می‌کنند. یا این که هر یک از والدین با دیگر فرزندان رفتار خشونت‌آمیز دارد. کودک در این محیط خشونت، پرخاشگری و لجبازی را فرا می‌گیرد و با این روحیه وارد مدرسه می‌شود. با توجه به روحیات متفاوت کودکان، کار معلم برای آموزش مهارت‌های رفتاری سخت و تا حدودی پیچیده است. به نظر من اولین وظیفه آموزگاران، شناخت روحیات و خلق و خوی بچه‌های کلاس است تا بتوانند متناسب با خصوصیات رفتاری آنها عدم خشونت را به آنها یاد بدهند. در این بین راه‌های که در متن‌های آموزشی برای کنترل خشم به کار گرفته می‌شود، متفاوت است.

من سال‌ها تجربه تدریس در دوره دبستان را دارم و تقریباً در تمام سطوح، افتخار معلمی داشته‌ام. موجه با خشم یکی از مهم‌ترین کارهایی است که می‌توان به بچه‌ها آموزش داد. برای همین ما در سنین پایین‌تر مثل کلاس اول و دوم اغلب با اجزای نمایی و قرار دادن یکی از دانش‌آموزان در شرایط خشم‌سعی می‌کنیم. راه‌های درست ابراز خشم را به آنها بیاموزیم. با اجزای راه‌های مختلف ابراز خشم می‌توان آموزش راه‌های کنترل خشم و عدم اعمال خشونت را به بچه‌ها آموزش داد. کودکی که تا قبل از ورود به مدرسه یاد گرفته بود وقتی خشمگین می‌شود، فریاد بکشد، گریه کند یا به طرف مقابلش حمله کند و خشمش را به محیط یا زدن اطرافیان ابراز کند، در محیط کلاسی یاد می‌گیرد راه‌های دیگری هم برای ابراز خشونت وجود دارد. راه‌هایی که به کسی آسیب نرساند و کودک را آرام کند.

در سنین بالاتر مسأله پیچیده‌تر است و حضور یک مشاور در مدرسه کمک بزرگی به این مسأله می‌کند. مشاور نگاه تخصصی‌تری به رفتارهای کودک دارد. با این وجود آموزش صرف بچه‌ها در حالی که محیط‌های مختلفی در خانه دارند، چندان کارساز نخواهد بود.

ادامه در صفحه ۱۰



## نگاه فرهنگی

سهیم شدن در ایده‌پردازی و رهبری نظام  
ارزشی جهان  
ضرورت تعامل ما  
با فرهنگ‌های مختلف

لطف‌الله آجدانی

مورخ و مدرس دانشگاه



وقتی سخن از یک نظام ارزشی به میان می‌آوریم، هم مفهوم نظری ارزش و هم مصادیق ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها الزاماً مفهوم و مصادیق واحدی نیست که نتواند محل مناقشه یا حتی مباحثه باشد. چه‌بسا کسی مفهوم و امری را ارزش تلقی و معرفی کند و کسی دیگر همان مفهوم و امر را ضد ارزش، یا یک مفهوم و امری در یک شرایط خاص ارزش و در شرایط خاص دیگر ضد ارزش تلقی شود.

بهرغم تکرر و تنوع و بلکه تضاد مفهومی درباره ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها، به‌طور نسبی و براساس وجه غالب، همواره در طول تاریخ ایران با دو نظام ارزشی رسمی و غیررسمی روبرو هستیم. حکومت متولسی اصلی نظام ارزشی رسمی و متولسی اصلی نظام ارزشی غیررسمی، پاره‌ها و قرار دادهای اجتماعی و انگاره‌ها و آموزه‌های کنشگران برون حاکمیتی است.

در بررسی نسبت میان نظام ارزشی رسمی و غیررسمی در یک جامعه ممکن است مشابهت‌ها، هماهنگی‌ها و همراهی‌هایی در پارای یا مفاهیم و مصادیق دیده شود و نیز پارای یا همسانی‌ها و حتی تقابل‌ها به‌ویژه در جوامع و نظام‌های حکومتی‌ای که در آن مفهوم دولت و ملت شکل چندین مدون و مدرنی نیافته‌اند، این نامناسبی‌ها و گاه تقابل‌های ارزشی میان ارزش‌های رسمی و غیررسمی بیشتر است.

بدون تردید نظام ارزشی حاکم بر جامعه به سبب سرشت اجتماعی آن بیش از هر چیزی منعکس‌کننده پاره‌ها، خواسته‌ها و مطالبات اکثریت مردم آن جامعه است. پاره‌ها و مطالباتی که البته تحت‌تاثیر آموزه‌های حکومت، دین و فرهنگ آن جامعه قرار دارد. در گستره تحولات تاریخی در ایران نظام ارزشی در جامعه ایرانی پاره‌ها دستخوش پارای تحولات یا سمت‌سوی تقویت و تضعیف شده است.

در منحنی تاریخی فراز و فرود نظام ارزشی در ایران، هرگونه توصیف و تحلیل واقع‌بینانه و درست‌اندیشانه از بازسازی پاره‌ها از عناصر نظام ارزشی جامعه ایرانی، مستلزم توجه به واقعیت سرشت جامعه ایرانی و ارزش‌های کلان حاکم بر آن در چارچوب یک جامعه سنتی - مدرن و متأثر از نظام ارزشی ملی - مذهبی و غربی و خرده ارزش‌هاست. در چنین شرایطی، هنگامی می‌توان سخن از بازسازی ارزش‌ها برای گسترش آنها با هدف جهانی کردن آن گردان کرد که ارزش‌هایی برای جهانی‌شدن گریبان برداشتن شود که قابلیت‌ها و امکان جهانی‌شدن را داشته باشند.

زبان مشترک، احساس مشترک، فهم مشترک و مطالبات مشترک، چلگسی بعضی از الزامات جهانی‌شدن یک ارزش است. هنگامی می‌توانیم در جهانی‌شدن سهیم باشیم که در ایده‌پردازی و اداره نظام ارزشی - نه الزاماً نظام ایدئولوژیک - جهان سهیم باشیم. برای مشارکت در ایده‌پردازی و رهبری نظام ارزشی جهان نیازمند طرح و ارائه ارزش‌هایی هستیم که بیش‌فرض آن، جهان‌نگری بر پایه تعامل با فرهنگ‌های مختلف جهان است. جهان‌نگری و مدیریت جهان‌نگر باید بتواند ضمن حفظ ارزش‌های کارآمد و پایدار بومی و محلی خود، سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها را پاس بدارد و همزیستی با سایر فرهنگ‌ها و ارزش‌ها را امکان‌پذیر کند. حاصل این تعامل منتهی‌سر درون‌نگری و بیرون‌نگری توأمان، شکل‌گیری ارزش‌های بالاتر و برتر است. ارزش‌هایی که می‌تواند در عین جهانی‌بودن، محلی باشد و در عین محلی‌بودن، جهانی.



جامعه‌شناسی شغفت در گفت‌وگو با اصغر مهاجری

# مهربانی هم راهی دارد

افراد باید تکنیک‌ها و مهارت‌های انجام مهربانی را یاد بگیرند

اگر شغفت در جامعه باشد، امید و وحدت اجتماعی بیشتر و آسیب‌های اجتماعی رخت می‌بندند

باید ساختارهای مهربانی کردن و شغفت در جامعه فراهم شود

نظام ارزشی و نظام معیارین مهربانی کردن و مهربان‌بودن در بسترهای اجتماعی مفهوم و ماهیت شغفت از نظر شما چیست و چطور می‌توان در جامعه مردمانی شغفت داشت؟

شغفت به معنای مهربانی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: اگر بخواهیم از یک باور شغفت‌محور و مهربانی‌محور و یک رفتار مهربانانه‌گنزر کنیم، خصماً باید قرار دهیم یا کنشگر به شرط دارا بودن این مقدمات، شرایط و بسترها، قادر است از یکی از باور ارزشمند مهربانی که برگرفته از یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌ها و صفات خداوندی است، یک رفتار مهربانانه و شغفت‌آمیز به اجرا بگذارد. حال این بستر و شرایط چیست؟ اولین بستر این است که باید ساختارهای مهربانی کردن و بسترهای فرهنگی آن فراهم شود. به عبارتی باید

رسیدن انسان به مهربانی و شغفت جویا شدیم.

**مفهوم و ماهیت شغفت از نظر شما چیست و چطور می‌توان در جامعه مردمانی شغفت داشت؟**

شغفت به معنای مهربانی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: اگر بخواهیم از یک باور شغفت‌محور و مهربانی‌محور و یک رفتار مهربانانه‌گنزر کنیم، خصماً باید قرار دهیم یا کنشگر به شرط دارا بودن این مقدمات، شرایط و بسترها، قادر است از یکی از باور ارزشمند مهربانی که برگرفته از یکی از بنیادی‌ترین ویژگی‌ها و صفات خداوندی است، یک رفتار مهربانانه و شغفت‌آمیز به اجرا بگذارد. حال این بستر و شرایط چیست؟ اولین بستر این است که باید ساختارهای مهربانی کردن و بسترهای فرهنگی آن فراهم شود. به عبارتی باید

دیگر اعضای بدن در تب و بیادری و خواب یا آن هراهی می‌کنند. انسان مشفق در تمام کارهایش با مهر و عطف‌ت عمل می‌کند؛ برادرش را در آنچه نتوان از انجام آن است، یاری می‌دهد، دست نایبند را در راه برای دوری از خطر می‌گیرد. به خدمتکاران یا مهربانی رفتار می‌کند؛ با نیکی کردن در حق او و بر خورد جوامع رانده یا او». شغفت و مهربانی به معنای والای انسانی بدون شک برای اجرایی‌شدن به زمینه‌های فرهنگی و معنوی در بستر هر جامعه‌ای نیاز دارد و هر انسانی از عهده رسیدن به سؤالی که بی‌منت، چشم‌داند و سوءنیت مهرورزی کند، بر نمی‌آید. در گفت‌وگوی پیش‌رو نظر جامعه‌شناسانه اصغر مهاجری را پیرامون مفهوم ماهیت شغفت و بنیان‌های لازم برای

طرح نو | رافیه زرگری | ساموئل اسمایلز، شاعر و نویسنده بریتانیایی در مفهوم شغفت می‌گوید: «حس شغفت و مهربانی مانند کلبه زین است که در بیچه دل‌ها را به‌سوی انسان می‌گساید». مهربانی و شغفت یکی از ارزش‌های والای انسانی است که همه مکاتب دینی و اخلاقی، بشریت را به روی آوردن به آن، توصیه می‌کنند. پیامبر گرامی اسلام در حدیثی می‌فرماید: «بیا زمینیان مهربان باش تا آن‌کی که در آسمان است، با تو مهربانی ورزد». ایشان همچنین مسلمانان را در رفتار با یکدیگر به اعضای یک بدن واحد تشبیه می‌کنند و می‌فرمایند: «مسلمان‌ها در محبت و رحمت و مهربانی‌شان به همدگر مانند یک بدن هستند که هر گاه عضوی از آن به‌درد آید،

ادامه در صفحه ۱۰